

## رابطه طولی وزن و قافیه

«۲»

بطور کلی در شعر فارسی اعم از اینکه گوینده آن شاعر واقعی یا درکار شاعری اهل تفنن بوده باشد قافیه لازم الرعایه بوده و شاعری را سراغ نداریم که در اشعارش ضرورت رعایت قافیه نفی یا تخطئه شده باشد. ارائه نمونه‌هایی که در قوافی آنها مسامحه شده از جمله اینکه فردوسی گفته است :

تو تخت بزرگی ندیدی و تاج شگفت آیدت لشکر و مردچاج (۱)  
یا سعدی گفته است :

که ای شاه آفاق گستر بعدل اگر من نمانم تومانی بفضل (۲)  
یا ایرج میرزا گفته است :

هر رطبی را که نچینی بوقت آب شود بعدبشاخ درخت (۳)  
و- حواسم آنچنان بر باده صرف است - که گوئی قاضیم وین مال وقف

است (۴)

بهبوجه از اهمیت و ضرورت قافیه نمی‌کاهد. به محققانی که باین چند

۱ و ۲ - تحقیق از آقای مجید یکتانی

۳ و ۴ - از منظومه‌های زهره و منوچهر و عارف نامه

بیت و نظائر آن که حداکثر ممکن است در تمام کتب شاعران بزرگ و نامور ایران از ۱۵ بیت تجاوز نکنند توجه و بآنها استناد میکنند باید عرض کنم اندکی نیز بدها هزار بیت بسیار ظریف و زیبا و عمیق شعر فارسی که همه دارای قافیه هستند توجه و عنایت فرمایند این چند بیت در مقابل اشعار زیبا و مقفای فارسی مانند مثنوی آب در مقابل اقیانوس است و بساعتبار این چند بیت بهیچوجه نمیتوان پنداشت که نفی ضرورت قافیه میان اساتید بزرگ سخت فارسی طرفدارانی داشته است .

این چند بیت ضرورت قافیه را که تحت تأثیر اصل کلی (زیبا سازی قالب اندیشه) تولد و تکامل یافته نمیتواند نفی کند زیرا نفی ضرورت قافیه نفی زیبایی و تکامل شعر است .

نقطه ضعف بعضی از طرفداران شعر کلاسیک این است که بعلت اعتیاد عمیق بضرورت وزن و قافیه حتی طرح این سؤال را که وزن و قافیه چطور بوجود آمده و چرا باید شعر وزن و قافیه داشته باشد جائز نمیدانند و برای این سؤال معمولاً جوابی ندارند این خوی پذیری و اعتیاد طبیعی انسان است و از قدیم نیز گفته اند خوپذیر است نفس انسانی :

بنابر این فی النفسه عیب یا نقصی نیست ولی يك انسان اندیشمند که بمرحله بلوغ و ادراک رسیده تا حدی که شعر خوب را می شناسد و از آن لذت میبرد باید برای توجیه خصوصیات فنی و ساختمانی شعر دلائل معقول و صحیحی ارائه کند نه اینکه در جواب این سؤال که: چرا باید شعر وزن و قافیه داشته باشد بگوید :

برای اینکه شعر است و شعر باید وزن و قافیه داشته باشد و عبارت

غیر مفقی و فاقد اوزان عروضی شعر نیست : ادعا آمد دلیل ادعا یعنی همین! با توجه به بحث گسترده و پردامنه‌ایکه در توجیه حرکت طبیعی عناصر سازنده حیات و تمدن بشر در مسیر نرمی و آسانی و زیبایی بعمل آمده توضیح مجدد اختصاصی در این زمینه که ساختمان قالب سیاله ذهن انسانی نیز ضروریه بالطبع در این مسیر قرار دارد توضیحی زائد بنظر میرسد خاصه اینکه مطالعه درباره کیفیت حدوث و پیدایش ساختمان قالب شعر بخودی خود بر این واقعیت صحنه میگذارد زیرا بطوریکه میدانیم شعر در دورانی که با مرحله زیبایی و کمال خود فاصله زیادی داشته فاقد قافیه بوده و در مرحله زیبایی کامل قافیه پذیرفته است.

### قافیه چیست ؟

بنظر بنده قافیه مولد وزن است و این نظر که تاکنون گفته نشده و برای نخستین بار عرضه میشود و بهمین دلیل ممکن است در خواننده دقیق و دانشمند تولید شکفتی و اعجاب کند نتیجه ایست منطقی که از اصل کلی حرکت طبیعی عناصر سازنده مدنیت در مسیر زیبایی و آسانی استخراج و استنباط میشود همان اصلی که همه مباحث مختلف این نوشته بدون انحراف و با دقت کامل حول محور آن دور میزند .

توجه کامل باین اصل خود بخود این نظر را توجیه میکند زیرا برای اینکه بدانیم قافیه چیست و چرا مولود وزن است باید اول بدانیم وزن چیست : وزن در شعر عبارت است از رعایت (نظم و تناسب) در کلمات ، این رعایت نظم و تناسب موقعی که به نقطه اوج و منتهای کمال خود میرسد قافیه از بطن آن متولد میشود بنابراین قافیه نتیجه‌ای است که در غایت و قله (نظم و تناسب) بدست میآید و مولود دقت تا سرحد و سواس در حفظ و رعایت این تناسب و زیبا سازی قالب وزن است .

وزن ظرفیت داخلی قالب شعر و قافیه جدارخارجی این قالب است. زیبایی جدارقالب قسمتی از زیبایی خود قالب است. آنکه قالبی می‌سازد حق دارد به زیبایی جوانب و جدارهای آن نیز بیندیشد و تا آنجا که ممکن است این جوانب را بسوی تناسب و زیبایی بیشتر سوق دهد. کوشش در جهت زیبا سازی جوانب قالب وزن است که به تولد قافیه از بطن وزن منجر شده و آنچه تدریجاً ساختمان ظرف سیاله ذهن را از مرحله (صنعت) ترقی داده و بسرحل (هنر) و مرحله یک کار زیبا و هنرمندانه رسانیده تکامل تدریجی قوای ذهنی بشردر جهت زیبا سازی این قالب است.

بنابراین اگر می‌بینیم اصالت و قدمت وزن بیش از قافیه است دلیلش همین است که قافیه اصولاً مولود وزن است و طبیعی است که هر مولودی زماناً موخر بر والد خود است و ارتباط آن دو ارتباط طولی است. دقیقاً و با قاطعیت نمیتوان گفت که قافیه در چه قرنی وارد شعر شده و اول در کجا و در چه زمانی شعر مقفی عرضه شده است بحث در این زمینه به بحث در خصوصیات اقلیمی و جغرافیائی و تاریخی و ساختمان قوای دماغی ملل و نحوه و میزان پیشرفت و تکامل زبان ادبیات اقوام مختلف و صدها عامل پیچیده و ناشناخته منجر میشود که ارتباطی به ما نحن فیه ندارد ولی بدلائلی که عرض شد با قاطعیت میتوان گفت قافیه مولود وزن است و شعر در مراحل اولیه خود یعنی در روزگاری که نثر در اوج زیبایی و فصاحت بوده و ضرورت تکامل و زیبا سازی بیشتر در ساختمان قالب سیاله ذهن آدمی احساس شده بصورت موزون و غیر مقفی عرضه میشده و سپس در مسیر تکامل کلی در کار زیبا سازی قافیه از بطن وزن متولد گردیده است.

بررسی نتایج تحقیقات در بعضی از متون پهلوی مانند (یادگار زریران)

و (درخت اسوریک) دلیل آشکار بر صحت این نظر است این آثار عموماً شعر هستند بدون آنکه بتوان گفت در آن‌ها قافیه رعایت شده است زیرا ناروزگار پیدایش این آثار هنوز کار زیبا سازی ظرف اندیشه و ادراک بآن مرحله از پیشرفت و تکامل نرسیده بود که قافیه از بطن وزن متولد شود ولی چون این ولادت يك ضرورت طبیعی ذهن بشر بود تقریباً از همان روزگار کم شعر مقفی عرضه میشد که از آن جمله است منظومه پهلوی (اندرز) که موزون و مقفی است و پی‌گیری و پیشرفت این زیبا سازی، شعر فارسی را تدریجاً مرحله‌ای رسانید که قافیه یکی از ارکان مهم آن شناخته شد.

با این ترتیب می‌بینیم که قافیه چیزی منفک و مستقل از وزن نیست که بتوان آن را جداگانه مورد مطالعه قرار داد بلکه رابطه وزن و قافیه رابطه والد با مولود است که در طول هم قرار دارند نه در عرض هم یا جدا از هم خواهد بود. نصیرالدین طوسی در (اساس الاقتباس) میگوید: شرط تقفیه در قدیم نبوده و خاص عرب است و دیگر امم از ایشان گرفته‌اند)

در این بیان کوتاه يك حقیقت مسلم را ذکر کرده ولی مرتکب دو اشتباه بزرگ شده است.

حقیقتی که بیان کرده اینست که موخر بودن قافیه را در ساختمان شعر تلویحاً و شاید تصادفاً مورد تأیید قرار داده و دو اشتباه او یکی این است که قافیه پرداز را خاص زبان و ادبیات و شعر عرب دانسته و عرب را در اینکار مبتکر و دیگران را مقلد شمرده دوم این که وزن و قافیه را دو چیز مستقل و جدا از یکدیگر دانسته و به رابطه طولی آنها توجه نداشته است.

(ادامه دارد)